

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول زیر، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخ نامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات تأیید می نمایم.

امضا:

■ ■ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية (۸۱ - ۸۹)

۸۱- ﴿رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾: **لاتحمن + ... ل - مع ی ش...**

(۱) خداوندا، بر ما هموار نکن آنچه را طاقت نمی آوریم!

(۲) بارالها، هیچ چیزی را که طاقت نداریم بر ما هموار مکن!

(۳) پروردگارا، آنچه را هیچ طاقتی بر آن نداریم بر ما تحمیل مکن!

(۴) ای خدا، چیزی را که نمی توانیم طاقت بیاوریم بر ما تحمیل مکن!

۸۲- «**العلماء كالجبال لايتأثرون** بقدرة الضربات، و كما نرى في التاريخ أن من يقبل الضربات يحصل على النصر لا من يتأثر بها!»:

(۱) **علماء همچون کوهها** هستند که تحت تأثیر قدرت ضربه‌ها قرار نمی گیرند، و همانطور که در تاریخ می بینیم کسی که ضربه‌ها را می پذیرد پیروزی را بدست می آورد نه کسی که تحت تأثیر آنها قرار می گیرد!

(۲) دانشمندان **همچون کوهها** از نیروی ضربه‌ها تأثیر نمی گیرند، همانطور که در تاریخ مشاهده می کنیم آنکه ضربات را ~~تحمل می کند~~ پیروزی را کسب می کند نه آنکس که تحت تأثیر آنهاست!

(۳) دانشمندان **چون کوه** تحت تأثیر قدرت ضربه‌ها نیستند، آنطوریکه در تاریخ مشاهده می شود همیشه کسی که تسلیم ضربه‌هاست پیروز می شود نه کسی که ضربه‌ها بر او مؤثر است!

(۴) ~~علماء همچون کوهها~~ هستند که قدرت ضربه‌ها بر آنها تأثیری ندارد، بطوریکه تاریخ نشانمان می دهد همواره آنکه ضربه‌ها را تاب می آورد به پیروزی می رسد نه آنکه ضربه‌ها بر او تأثیر دارد!

۸۳- «**هؤلاء المواطنون أصحاب همّة عالية، لا يخافون وقوع الحوادث، بل يُديرونها عندما تقع إدارة تُفيد الناس**»:

(۱) این هموطنان دارای همتی عالی هستند، از وقوع حوادث نمی هراسند، بلکه وقتی رخ می دهند آنها را چنان اداره می کنند که به مردم سود برسانند!

(۲) این شهروندان همتی عالی ~~ند~~، از وقوع حادثه‌ها نمی هراسند بلکه هنگامیکه اتفاق می افتد، طوری مدیریتش می کنند که مردم سود ببرند!

(۳) ~~اینها هموطنانی صاحب همت عالی هستند، از رخداد حوادث نمی ترسند بلکه زمان رخ دادن حوادث، بگونه‌ای مدیریتش می کنند که به مردم سود برسد!~~

(۴) این شهروندان، ~~قوی همت هستند، که از رخداد حادثه‌ها نمی ترسند بلکه وقتی حادثه رخ دهد، آنچنان اداره‌اش می کنند که مردم از آن سود ببرند!~~

تخلص: نجاع
@EduShoja

این
هؤلاء + ان
این

۸۴- « لا يُعِينِي فِي دُرُوسِي إِلَّا مَنْ يُحِبُّنِي حُبًّا، وَ هُوَ صَدِيقِي الَّذِي تَقَدَّمَهُ فِي الدَّرُوسِ أَكْثَرَ مِنِّي، وَ تَقَدَّمِي الدَّرَاسِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ يَرْتَبُطُ بِمَسَاعَدَتِهِ! »

- (۱) ~~حماً~~ مرا در درسهایم کمک می کند کسی که واقعاً مرا دوست دارد، کسی که در درس از من پیشرفته تر است، و او دوست من است و پیشرفت درسی من امسال به یاریش وابسته است!
- (۲) مرا در درسهایم یاری نمی رساند جز کسی که ~~حقیقتاً~~ به من علاقه دارد، و او دوستی است که در درس از من جلوتر است، و این سالی است که پیشرفت درسی من به کمک او بستگی دارد!
- (۳) فقط کسی که مرا واقعاً دوست دارد در درسهایم ~~حماً~~ به من کمک می کند، و او آن دوستی است که در درس از من جلوتر است، و در این سال ارتقاء تحصیلی من به یاری او وابسته است!
- (۴) فقط آنکه مرا واقعاً دوست دارد مرا در درسهایم یاری می کند، و او دوستی است که پیشرفتش در درس از من بیشتر است، و امسال پیشرفت تحصیلی من به کمک او بستگی دارد!

۸۵- « كُنْتُ أَقْرَأُ قِصَّةَ الْمُعَوِّقِينَ الَّذِينَ يُوجَهُونَ مَشَاكِلَ عَدِيدَةً فِي حَيَاتِهِمُ الْمُؤَلَّمَةَ، وَلَكِنْ لَا يَنْصَرِفُونَ عَنِ أَهْدَافِهِمْ وَ هُمْ مَرْفُوعُوا الرَّأْسِ دَائِمًا! »

- (۱) ~~قصه معلولانی را مطالعه کرده بودم~~ که با مشکلات فراوان در زندگی سخت خود، روبرو می شوند اما از هدف خود دست نمی کشند و دائماً با افتخار و سربلند هستند!
- (۲) داستان جانبازانی را می خواندم که با مشکلات بیشماری در زندگی درآورد خود روبرو هستند، اما از هدفهای خود دست برنمی دارند و همواره سربلند می باشند!
- (۳) داستان جانبازانی را ~~خوانده بودم~~ که در زندگی دردناک، با مشکلات عدیده ای مواجه شدند اما از هدفهای خود منصرف نشدند و برای همیشه سربلند ماندند!
- (۴) قصه معلولان را می خواندم که با ~~وجود~~ اینک با مشکلات فراوانی در زندگی رنج آورشان روبرو هستند از هدفشان دست بردار نیستند و همواره سربلند می باشند!

۸۶- عَيْنُ الصَّحِيحِ: حاشی استراریس (ان در این گم منه باید بررسی کنی)

- (۱) ~~إِن كَانَتْ الْمَكَيِّفَاتُ تَشْتَغَلُ لَمَّا شَعَرْنَا بِحَرَارَةِ الْجَوِّ إِلَّا قَلِيلًا: أَمَّا كَوْلَهَا كَارٍ يَكْنُدُ مَا فَقَطْ كَمِيٍّ مِنْ غَرْمِ الْهَوَا رَا أَحْسَاسٌ مِي كُنِيْمٌ!~~
- (۲) ما أكثر ارتفاع هذا الجبل، أريد أن أصدد منه و لو أصبح تعباً: اين کوه بلند نیست، می خواهم از آن بالا بروم اگرچه خسته بشوم!
- (۳) إِنَّمَا عَلَيْكَ أَنْ تَخَافَ مِنْ وَقُوعِ الْحَوَادِثِ حِينَ لَا تَتَصَحَّكَ أَخْطَاؤُكَ: زَمَانِي كِه خَطَايَا تُو رَا پِنْد نَدَهْنْد بَايَد از وقوع حوادث بترسی!

(۴) لَا مَعْلَمٌ لِلْحَصُولِ عَلَى أَحْسَنِ الطَّرِيقِ إِلَّا الْعِلْمُ هَيْجِ نَشَانَهِي برای دستیابی بر بهترین راهها جز دانش وجود ندارد!

۸۷- عَيْنُ الْخَطَا: فقدت بر این ایم

- (۱) إِنَّمَا حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ قَادِرَةٌ عَلَى أَنْ تَجْعَلَ ذَنْبَهَا كَعَصَا الطَّيْرِ: مَارَهَا دَر صَحْرَا هَسْتَنْد كِه مِي تَوَانَنْد دُمشان را چون عصایی بگردانند تا پرندهگان را فریب دهند!
- (۲) إِنَّ الشَّرِيفَ قِطْعَةَ قِمَاشٍ، كَانِ عَمَالِنَا يُنْتَجُونَ الْقِمَاشَ: مَلَا فِه قِطْعَه پَارچَه ای است، این پارچه را کارگرانمان تولید می کردند!
- (۳) كَادَ السَّائِحُونَ يَمُوتُونَ مِنَ الْخَوْفِ، عِنْدَمَا سَمِعُوا صَوْتَ الْأَسَدِ عَنِ الْقَرِيبِ: هَنْگَامِي كِه گَرْدَشْگَرَانِ صَدَايِ شِير رَا از نزدیک شنیدند، چیزی نمانده بود از ترس بمیرند!
- (۴) شَرُّ التَّمَلُّقِ تَصَدِيقُ الْكَلَامِ الَّذِي نَعْلَمُ أَنَّهُ بَعِيدٌ عَنِ الْحَقِّ: بَدْتَرِين چَاپُلُوسِي تَأْيِيدِ آنِ سَخْنِي است كِه مِي دَانِيْم از حق دور است!

۸۸- «شهروند بافهم نسبت به نظافت محیط زیست شدیداً اهتمام می‌ورزد!». عین الصحیح:

(۱) یهتّم کلّ المواطنين بنظافة البيئة اهتماماً كثيراً! ✗

(۲) یهتّم المواطنُ الفهيم بنظافة البيئة اهتماماً بالغاً! ✓

(۳) المواطن ✗ اهتمام كثيراً بنظافة البيئة إذا كان فهيماً!

(۴) كلّ المواطنين يهتمون بنظافة البيئة إذا كانوا أصحاب الفهم!

۸۹- «شرف المرء بالعلم والأدب لا بالأصل والنسب». عین الأنسب لمفهوم العبارة: ← این شرافت به علم است

(۱) اندر جهان چو بی‌هنری عیب و عار نیست

(۲) شرف مرد به جود است و کرامت به سجود

(۳) که نیام است اندر جهان یادگار

(۴) چو کنعان را طبیعت بی‌هنر بود ✓

با فخر و هنر زی و بی‌عیب و عار باش!

هر که این دو ندارد عدمش به ز وجود!

نماند به کس جاودان روزگار!

پیمبرزادگی قدرش نیفزود!

■ ■ اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة (۹۰ - ۹۴) بما يناسب النص:

يُعدّ تلوث الهواء مشكلة كبرى في عالم اليوم، و الكثير من الناس في مختلف أنحاء العالم يتنقّسون الهواء الملوّث من دون حتّى التفكير في الضّرر الذي يُسبّبه ذلك للزّنتين و لكوكب الأرض بشكل عامّ! أثبتت معظم الدراسات التي أجريت في هذا المجال أنّ ملوثات الهواء تُؤدّي إلى ارتفاع درجات حرارة الأرض و سوف يُسبّب تغييراً في الجوّ في الآتي!

وفقاً لبيانات منظمة الصحة العالمية، دخان السيارات يُعدّ مصدرًا أساسيًا لتلوث الهواء بأنواع الموادّ المُضرة لسلامة الإنسان و للبيئة و يتمّ التخلص منه باستخدام وسائل النقل العامّة و فحص السيارات في مراحل معيّنة للحفاظ على مقدار الدخان الذي يخرج منها، و استخدام السيارات الكهربائية!

أما إحراق الوقود التي تُستخرج من باطن الأرض كالنفط، فيُنشر ملوثات عديدة في الغلاف الجوّي و يُسبّب ظاهرة الأمطار الحمضية، و كذلك الذرات الصّغيرة التي تُنتجها حركة السيارات، يُؤدّي إلى إيجاد غبار في الجوّ ممّا يُعدّ مصدرًا آخر لتلوث الهواء! و أخيرًا الصناعة في مجالاتها المتنوّعة تُعدّ من مصادر تلوث الهواء أيضًا!

۹۰- عین ما لم يُذكر في النصّ:

(۱) صعود درجة حرارة الأرض يجعل حياة الانسان في خطرٍ في الحال و الآتي.

(۲) الغبار و الغازات السّامة المُضرة التي تُنتجها حركة السيارات.

(۳) النّفايات الصناعيّة التي تُلوّث البيئة و يتلوّث الجوّ باحتراقها. ✓

(۴) اهتمام المنظمات العالمية بموضوع تلوث الجو. ← از زبانها مستقی رومن

۹۱- عین الخطأ: ✗

(۱) تضرّ الغازات الملوّثة رئة الإنسان و الحيوانات الأخرى فقط! ✓

(۲) يشمل ضرر الموادّ الملوّثة سلامة البيئة و من يعيش فيها!

(۳) من عوامل تلوث الجوّ هي المصافي و محطّات إنتاج الغاز.

(۴) عدّة قليلة من الناس تلتفت إلى أهمية الهواء الذي تتنفس فيه!

تأکید «بله صملق»

نسته جمعده ربه ان را مزرب
می‌کنند

آ لورس هوا
سوت ماسینها
جائزینی ماسین برقی
سوت نیلی
تا بیر برصوا

کرام سورت یا آیت:

✓ سے منبہی - مصدر

۹۲ - عین ما ليس من الوقود النظيفة:

- (۱) طبخ الخبز و الطعام بإحراق الخشب.
 - (۲) استخدام البنزين لحركة السيارات.
 - (۳) الألواح الشمسية المثبتة فوق المنازل.
 - (۴) إنارة المدن بواسطة محطات إنتاج الكهرباء.
- عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (۹۳ و ۹۴)

۹۳ - « يتنفسون - أثبت - كبرى - الملوث »:

- (۱) الملوث: اسم - مفرد مذکر - اسم مفعول (مصدره: تلويث) - معرف بآل / صفة و منصوب بالتبعية للموصوف «الهواء»
- (۲) كبرى: اسم - مفرد مؤنث - اسم تفضيل (مذكره: أكبر) - نكرة - معرب / صفة أو نعت و تابع لموصوفه «مشكلة»

(۳) أثبت: فعل ماضٍ - للمفرد الغائب - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) - معلوم / فعل و فاعله «معظم» والجملة فعلية

لَفَتَمَ جَدَّ تَفْعِيلٌ وَ تَفْعُلٌ

(۴) يتنفسون: فعل مضارع - للجمع الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) / فعل و فاعل و مفعوله «الهواء»

۹۴ - « يُسَبِّبُ - ينشر - إحراق - المتنوعة »:

اسم فاعل از باب های لازم - مُتَنَوِّعٌ مُنْدِمٌ

- (۱) المتنوعة: اسم - مفرد مؤنث - اسم مفعول (مصدره: تنوع) - معرف بآل - معرب / صفة و مجرور بالتبعية للموصوف «مجالات»

- (۲) يسبب: فعل مضارع - للمذكر الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) - متعدٍ / فعل و مفعوله «تغييراً»
- (۳) ينشر: مضارع - للمذكر الغائب - مجرد ثلاثي - متعدٍ - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية
- (۴) إحراق: اسم - مفرد مذکر - مصدر (من باب إفعال) - معرب / مبتدأ و مرفوع و الجملة اسمية

■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۹۵-۱۰۰)

۹۵ - عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) البلاد الإسلامية مجموعة من الشعوب الكثيرة تختلف في لغاتها و ألوانها!
- (۲) تسقط أسنان سمك القرش دائماً و تنمو أسنان جديدة مكانها!
- (۳) الحُقَّاشُ هُوَ الْحَيَوَانُ اللَّبُونُ الْوَحِيدُ الَّذِي يَقْدِرُ عَلَى الطَّيْرَانِ!
- (۴) إن استمرت الحالة هكذا، فسُشَاهِدُ مُشَاكِلَ جديدة!

هماسی یا درون مت سے فعل مجهول مفعول نازار

۹۶ - عین المبالغتین لهما معنى غير وصفي (غير صفة):

- (۱) هذا الأستاذ صَبَّارٌ أثناء تدريسه و كلامه نَفَادٌ بين طلابه!
- (۲) جهزت الفتاة الفَهَامَةَ مكتبتها بكتب منحها لها معلمها الوَهَّابُ!
- (۳) العالم الخَلَّاقُ أصبح علامة عصره بسبب جهده الكثير في الحياة!
- (۴) كان صديقي في البداية طَيَّارًا ثم غير مهنته إلى بائع الهاتف الجَوَّالِ!

در این نیز به هم من مجهول است هم مفعول صغور نازار

همتی صفت مستند

نفس - حبان
تلغن - ابزار
صفت - خ
نفس - خ
ابزار - خ
کاربرد له مبالغة
این در با

۹۷- عین حرف «الباء» مختلفہ فی المعنی: **لب مکان زمان سے در**

(۱) **إِنَّ** المزارع یسعی أن یحفظ الخُضروات بمزرعته من التَّلَف!

(۲) غابات مدينتنا غنيَّة بأخشابٍ یُصنع بها أشياءٌ مختلفة! **مرحہ سے باجوب**

(۳) من آمال الإنسان إنارةُ المدن بالبكتيريا المضيئة! **بابا کتری**

(۴) لا فَضَلَ لأحدٍ على الآخرين بلونه! **بارنسی**

۹۸- عین المجهول (= المبني للمجهول): **ساده سے مضارع سے**

(۱) هاتان البنتان لاتجالسان المتكبرات في كلِّ الأحوال!

(۲) من لم **يؤدبوا** في الصَّغر لا يُؤدَّبهم في الكبر إلاَّ الدهر!

(۳) أُختي لا تُريد أن تُنفق ممَّا لا تُحبُّ بل تُحبُّ أن تُعطي أحسنَ ما عندها!

(۴) إِنَّ كَثِيرًا من المخترعين لم تُضعف عزمهم حادثهٗ بل تُوصلهم إلى هدفهم!

۹۹- عین ما ليس فيه مفعول مطلق: **اس**

(۱) **إلزامٌ** مُعلِّمنا بممارسة الدروس ليلاً و نهاراً إلزامٌ يُصينا بالتَّعب ولكن علينا التَّبعية!

(۲) عندما أسافر إلى قريتنا **أمشي** بين أشجارها صباح كلِّ يوم **مشياً سريعاً** في هوائها النّظيف!

(۳) قد **تُسخطني** أعمالُ ابني **إسخطاً** ولكنِّي أغضُّ عيني و أصبر عليه حتى أرشده إلى طريق أحسن!

(۴) أستغرق زمناً طويلاً في الماضي خائباً كأنَّ أبواب الحياة **أغلقت** عليَّ **إغلاقاً**، ولكنَّ الأمل يفتح طريقاً إلى حياتي بغتة!

۱۰۰- عین ما لم يُحذف فيه المستثنى منه: **مستثنى بمراسل**

(۱) لا ينفع الصبر إلاَّ **من** درسه الدهر بالصَّعاب قبل ذلك!

(۲) لن يحصل على الظفر إلاَّ **من** شارك رجال العلم في عقولهم!

(۳) ليس مختاراً في الحياة إلاَّ **من** كتم سرّه و دبّر أموره على أساس العقل!

(۴) من استبدَّ برأيه ليس **خطُّ** له إلاَّ قليلاً، فعلياً **أن** نستشير العقلاء في الأمور!

ساده سے جملہ اترسبت بارے میں، مستثنیٰ منه راجح۔

خداوند یا وستان بار

تجاری - ۴۳۱۲۱۶